

مبانی تربیت تجربی

علم تعلیم و تربیت و تربیت‌شناسی

آموزش و پرورش که وسیله گسترش و تقویت نیروهایست که طبیعت در نهاد فرد بودیعه گذارده است و هدفش آنست که فرد را برای زندگی اجتماعی مجهز سازد وظیفه آن از همان مراحل اولیه رشد و نمو نوباوگان تا مرحله بلوغ عملی میشود لذا شناسائی قوانین کلی تکامل و رشد و نمو ساختمان بدنی و اعمال آنها لازمه هرگونه آموزش و پرورش است تربیت‌شناسی در تعلیم و تربیت نقش بزرگی را ایفاء مینماید زیرا اولاً تربیت‌شناسی برای شناختن کیفیت بدن انسان و وظائف آن ضروریست ثانیاً اگر درباره پدیده‌های دائمی زندگی و شعور انسان دقیق شویم ضرورت تربیت‌شناسی را برای بررسی حالات روحی و نفسانی درک خواهیم کرد

ریبو (۱) روان‌شناس معروف فرانسوی و پیروانش به پیروی از عقاید اوگوست کنت (Auguste conte) تربیت‌شناسی را قسمتی از علم حیات دانستند و آنرا با قسمتهای علوم مربوط بزندگی انسان مقایر و متفاوت میدانند. اینها عقیده داشتند موضوع علم حیات هم پدیده‌های معنوی است همچنین میگفتند روان‌شناس مجرب عبارت از عالم طبیعی‌دانی است که پدیده‌های زندگی را درک و برای دیگران بیان نماید. باتذکر این قسمت که روان‌شناسی دارای مشخصاتی است که کاملاً مخصوص بخودش است در اینصورت باید تصدیق کرد که وجود پدیده‌ها و موضوعاتی که مورد مطالعه آنهاست همیشه مشروط بعوامل مادی میباشد هر مری باید قبول کند که عوامل مادی و طبیعی در جهان هستی مؤثر

است تا بتواند در موقع تربیت افراد آنها را برای محیط مخصوص بخودشان تربیت کند.

اصلا این موضوع را در هر گونه فلسفه تربیت باید مسلم داشت زیرا که شناسی این نکته را تأیید کرده است که انسان موجود استثنائی و فوق العاده‌ای نیست و دلیلی ندارد که ما مانند دو گارتروفاز (De quaterfages) انسان را ما فوق تمام موجودات بدانیم و بگوئیم که او باید حاکم بر دنیا باشد معذک این فکر هنوز در ذهن اغلب فلاسفه نفوذ یافته و آنها عقیده دارند که انسان بالاترین مخلوق و موجود در میان تمام نیروهای طبیعت است. بدون شك انسان از مقیاس سایر موجودات زنده خارج نیست اما باید اقرار کرد که او در رأس آنها قرار گرفته و می‌خواهد همیشه بر آنها مسلط باشد به علاوه وجود انسان و تفوق وی در نتیجه مشخصات مخصوص بدنی او نیست زیرا بدون آنها انسان بوسیله لطافت مخصوص بعضی از اعضای خود و تکامل حس بینائی و شنوائی و سایر استعدادهای فکری و حساسیت اعصاب و تکامل مغز برتری خود را بتمام حیوانات ثابت می‌کند اعضای تکلم او هم طوریت که قوه ناطقه را برایش فراهم می‌سازد ضعف و ناتوانی بشر است که او را بیشتر از سایر حیوانات بزندگی اجتماعی متمایل می‌سازد. گرچه منشأ این تمایل شاید هم درست برای ما معلوم نباشد ولی میتوان گفت که این تمایل در نتیجه ترس و اضطراب بوجود آمده است وقتی فکر زندگی در اجتماع پیدا شد بالاضبع لزوم تربیت اجتماعی نیز بنظر می‌رسد انسان تربیت را لازمه زندگی خود در اجتماع می‌بیند چه بسا که حیوانات به تربیت احتیاجی ندارند زیرا بطور انفراد زندگی می‌کنند و بکام دیگران نیازمند نیستند.

اما تربیت برای هر فردی از افراد بشر ضروریست همانطوریکه جامعه انسانی هم آنها را لازم دارد تا انسان بتواند بدان وسیله از وجود خود و همچنین

از معلومات ذهنی و اعمال مختلف بدنی خود حداکثر استفاده را بنماید بنا براین تربیت حتی تربیت بدنی هم برای انسان تفوق و برتری مطلق را که از خصایص ذاتی او نیست باو نخواهد داد بلکه مانع آن خواهد بود که زندگی در اجتماع باعث تزیید صفات و خصایص پستی که در طبیعت او هست بشود.

منظور تربیت بدنی آنست که صحت و سلامت اندامهای او را حفظ کرده و سعی کند که بدن او را تبدیل کند بیک وسیله رانی که برای قبول ترقیبات اجتماعی و فکری رام و مطیع باشد و فقط در اینصورت است که برتری او بتمام موجودات زنده اینجهان بشود میرسد علم حیات نیز از مری میخواهد که هنگام ادای وظیفه تربیتی متوجه خواص انسانی خود بشود و البته از مبانی وظایف الاعضاء این خواص هم غفلت نکند همچنین تعلیم و تربیت از نظر زیست شناسی باید مری را بوحدت میان طبیعت و قوانین جبری مربوط بمظاهر آن آشنا سازد در اینصورت مری خواهد توانست مراحل تکامل زندگی را بشناسد و بداند که خود زندگی چگونه نیروهای مادی و شیمیائی را بخود جذب کرده و تابع قوانین مربوط باغیر شکل آنها میباشدهمچنین باید علل و عواملی را که باعث ایجاد وحدت و تعادل میان موجود زنده و محیط زندگی او میگردد بشناسد و نیز دارای عمیده شخصی در باره تطابق موجود زنده بامحیط باشد.

مری بدینوسیله میتواند تمایز پدیدههای زندگی را نسبت بقضایای طبیعی تشخیص دهد و بدینوسیله باین نکته متوجه میگردد که هر موجود زندهای باساحتان محسوس خود باید در نظر گرفته شود. باین ترتیب زیست شناسی برنو خود را روی روانشناسی و پدیدههای وجدان انسان میافکند زیرا وجدان انسانی همیشه در پی آنست که براساس یک نقشه آبی شکل تطابق

بامحیط را بخود بگیرد کمک و استعانت از علم زیست‌شناسی در این مورد درک مسئله وجود و هستی مطابق این علم همانطوریکه برای مربی لازم است در دوره طفولیت و جوانی که تسلط و نفوذ عوامل مادی در تحول وجود آشکار است نیز ضروری میباشد کودک در حقیقت حیوانی است لذا لازم است از این نظر تحت مطالعه در آید در این دوره تربیت بدنی کودک باید تربیت جسم او را با تمام مراحل برعهده داشته باشد اما وظیفه علمای بهداشتی است که طرز تغذیه نوع زندگی و چگونگی حرکات طبیعی و غیره را نشان دهد و حتی باید سازمان آموزشگاهها را از این نظر مورد بازرسی و دقت قرار دهد.

بررسی طبی دانش آموزان و دانشجویان از نظر تعلیم و تربیت در درجه اول اهمیت است و این عمل هم تمام نتایج مطلوب را نخواهد داد مگر اینکه همکاری نزدیکی بین زیست‌شناسی و تعلیم و تربیت یا بین علمای وظایف الاعضاء و مربیان موجود باشد اما از نظر تکامل ذهنی هم باید کودکان را تحت مراقبت گرفت معلمین و مربیان نباید از تاثیر تغذیه خواب و صحت و سلامت اعمال دستگاہ عصبی و ویتامینها در بدن غفلت بورزند باید رشد اعمال فکری و علمی و اخلاقی کودکان را که وسیله انطباق آنها بامحیط است در نظر گیرند همانطوریکه تربیت کودکان و دانش آموزان مواظبت دقیق در راه رشد و نمو بدن آنها ایجاد میکند تربیت اشخاص بالغ هم مستلزم آشنایی با مسائل مربوط به رشد است چرا که در رسیدن دوره بلوغ عارضه جوانان می‌آید مثل از هر چیزی در بدن انسان اعضای آنهاست که احساسات شخصی را برانگیزد عمیق و محجوبی که در دوره بلوغ در شخص رخ میدهد در غدد مختلفه بدن و ترشحات آنها است به علاوه باشناسایی بعلم زیست‌شناسی ممکن است از بروز و رشد بعضی عوامل مضر سلامتی کودک که ناشی از دوره تحصیل در آموزشگاه

است جلوگیری کرد مثلاً وضع کلاسها تعداد شاگردان در کلاس تکالیف و تمرینها در هفته یا هرروز - خستگی فکری و بدنی - تدابیر مربوط بجلوگیری از اتلاف قوای آنها دقت در طرز لباس و تمیز بودن و بهداشت را مری باید کاملاً در نظر گیرد. بعلاوه باید برای تمام عیوب و نواقص که مانع تغییر شکل تکامل ورشد و نمو طبیعی عده زیادی از کودکان میشوند و سبب میگردند که آنها نا منظم و عقب مانده و غیرعادی پرورش یابند چاره اندیشی عده ای از علماء علوم تربیتی اهمیت زیادی برای اختلال فکر و هوش و اخلاق کودکان مسائل بوده و آنها را در نتیجه تغییرات بدنی و جسمانی آنها میدانند بعضی از اعمال و صفات و بازه ای عادات و اخلاق بد بعضی امراض روحی و با ناسالم بودن وضع جسمانی و بدنی را نشان میدهد - کودک بی حرکت و ساکت - طفل احساساتی - کودک پر حرف و پر حرکت طفلی که هیچ میل ب حرکت و بازی ندارد و یا ترسو مضطرب و نظایر اینها همه ناشی از وضع جسمانی و چگونگی رشد و نمو آنهاست - دکتر Dr. Wallon دلایل خود را در این باره در کتابی موسوم به بچه برهیا هو (L'enfant turbulent) شرح داده است .

بغور کلی عادات و غرایز اطفال مانند مودنی بودن - وحشیت - میل بدزنی احساسات جنسی که پیش از موقع ظاهر شود کودکان را بطرف فساد کشانه همه در نتیجه وضع بدنی آنهاست باتوجه بمطابق گذشته زیست شناسی عمومی و زیست شناسی انسانی و علم Biogenitique و Biotypologie و Biopathologie نام این علوم اساس و پایه معلومات علمی لازم برای تربیت

مری هستند